

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۶

پایه پنجم ورودی بهمن

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	محل نام: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان: ۲۹۵۱/۲۰	تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲	عنوان: فقه استدلالی ۴	کتاب: دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی	مجموعه: جلد سوم: نکاح (ص ۷۶-۱۱)، طلاق (ص ۱۲۲-۷۷)، یمین، نذر و عهد (ص ۱۶۲-۱۴۹)
--------------------	-------------------	-----------------------	----------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرتان: استان:

۱- کدام مورد مستند حرمت «نگاه به اجنبیه» نمی باشد؟ ص ۲۴ و ۲۵

- الف. «و لا یُبدین زینتھنّ إلا لبعولتھنّ» اذا كان المراد بالزينة مواضعها. ☐
- ب. «و لا یُبدین زینتھنّ إلا لبعولتھنّ» اذا كان المراد بالزينة نفسها. ☐
- ج. «و لیضربنّ بخمرھنّ علی جویبھنّ» ☐
- د. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارھم» ☒

۲- به نظر مصنف روایت «لا حرمة لنساء اهل الذمه أن ينظر الى شعورهنّ و أیدیھنّ» چه چیزی را اثبات می کند؟ ص ۳۰

- الف. جواز نظر به خصوص نساء اهل ذمه ☐
- ب. جواز نظر به مطلق زنان غیر مسلمان ☒
- ج. احترام نداشتن زنان غیر مسلمان ☐
- د. احترام نداشتن زنان اهل ذمه ☐

۳- کدام مورد از قاعده «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» مستثنی است؟ ص ۴۵

- الف. حرمة بنات المُرْضعة علی أبی المُرْتَضع. ☒
- ب. حرمة أخوات المُرْضعة علی ابن الرضیع. ☐
- ج. حرمة بنت صاحب اللبن علی الرضیع. ☐
- د. حرمة إخوة المُرْضعة علی المُرْتَضعة. ☐

۴- با توجه به تعارض مستقر روایات «رضاع» حکم عقد ازدواج شخص با زنی که در طفولیتش ده مرتبه به وی شیر داده است، چیست؟

چرا؟ ص ۵۳

- الف. صحیح است به دلیل اطلاق «أحلّ لکم ماوراء ذلکم». ☐
- ب. فاسد است به دلیل استصحاب عدم ترتّب اثر. ☒
- ج. فاسد است به خاطر جریان اصالة الاحتیاط. ☐
- د. صحیح است به خاطر جریان اصالة البرائة. ☐

۵- در چه صورتی طلاق همسر فرزند توسط ولی صحیح است؟ ص ۸۴ و ۸۵

- الف. اگر فرزند، عاقل غیر بالغ باشد. ☐
- ب. اگر فرزند، مجنون غیر بالغ باشد. ☐
- ج. اگر فرزند، مجنون بالغ باشد. ☒
- د. اگر فرزند، عاقل بالغ باشد. ☐

۶- گزینه صحیح در مورد «رجحان متعلق یمین» را معین کنید. ص ۱۵۱

- الف. یلزم رجحان متعلق الیمین ولو بحسب المصلحة الشخصية للحالف. ☒
- ب. لا ینعقد الیمین إلا اذا كان متعلقه راجحاً بحسب المصلحة النوعیة. ☐
- ج. یجب الوفاء بالیمین اذا صار متعلقه مرجوحاً بعد انعقاد الیمین. ☐
- د. لا ینحل الیمین الوالد بعد انعقاده مع نهی والده. ☐

۷- حدیث شریف (قلت لأبی عبدالله علیه السلام کیف أقول لها اذا خلوتُ بها؟ قال: تقول: «أترُوجک متعةً علی کتاب الله ... فاذا قالت: نعم، فقد رَضیت و هی امرأتک و أنت اولى الناس بها») چگونه بر لزوم «ایجاب و قبول لفظی» دلالت می کند؟ (دو وجه ذکر کنید). ص ۱۵ - ۲ نمره

جواب:

۱. اصل لزوم ایجاب و قبول لفظی در ذهن سائل مفروغ عنه بوده لذا از خصوصیات آن سؤال می کند. ۲. مفهوم عبارت «اذا قالت نعم، فقد رضیت و هی امرأتک» آن است که اگر «نعم» نگفت همسرت نیست پس شرط همسر شدن (تحقق نکاح) گفتن کلمه «نعم» است که همان قبول لفظی است.

۸- طبق نظر مؤلف، آیا آیه شریفه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱) بر هر یک از موارد زیر دلالت دارد؟ چرا؟ ص ۲۶ - ۲ نمره

۲

الف) «جواز إبداء الوجه من قِبَل المرأة»:

جواب: آری، چون روسری عادهً صورت را نمی‌پوشاند اگر پوشاندنش لازم می‌بود آیه حتماً باید به آن اشاره می‌کرد در حالی که آیه شریفه، تنها به پوشاندن گردن توسط خمار امر نموده است.

ب) «جواز نظر الاجنبی إلى وجهها بدون التلذذ»: جواب: خیر، زیرا ملازمه‌ای میان جواز نپوشاندن صورت و جواز نگاه اجنبی وجود ندارد. (وگرنه می‌بایست نگاه کردن زن به قسمت‌هایی از بدن مرد که لازم نیست آن را بپوشاند جایز باشد).

۹- چگونه آیه شریفه «وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» (ممتحنه: ۱۰) بر حرمت ازدواج با زن «کافر غیر کتابی» دلالت می‌کند؟ ص ۶۱ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب:

چون یکی از مصادیق «ما يعتصم به» عقد می‌باشد لذا مراد آیه، نهی از استمرار نکاح با زن‌هایی است که کافر شده‌اند. بنابر این وقتی استمرار نکاح با زنان کافر جایز نباشد به طریق اولی ازدواج با آن‌ها حرام می‌باشد.

۱۰- با توجه به روایات «عدة المتعة حیضتان و إن كانت لا حیض فخمسة و أربعون يوماً» و «عدة المتعة إن كانت حیض فحیضة و إن كانت لا حیض فشهري و نصف» به موارد زیر پاسخ دهید. ص ۷۱ و ۷۲ - ۲ نمره

۲

الف) آیا می‌توان برای رفع تعارض، روایت اول را بر استحباب حمل نمود؟ چرا؟

جواب: خیر، زیرا اوامر ارشادی یا اصلاً قابل حمل بر استحباب نیستند یا در صورتی قابل حمل هستند که لسانشان لسان اخبار نباشد.

ب) آیا آیه شریفه «أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ» (نساء: ۲۴) مرجح روایت دوم در مقام تعارض است؟ چرا؟

جواب: خیر، زیرا آیه شریفه ناظر به عموم افرادی است نه احوالی تا مرجح یا مرجع واقع شود.

۱۱- طلاق «مستترابه» در چه زمانی صحیح است؟ چگونه حدیث «سألت الرضا علیه السلام عن المسترابة من الحيض كيف تطلق؟ قال: تطلق بالشهور» با وجود اجمال در معنای «شهور» بر آن دلالت می‌کند؟ ص ۸۹ و ۹۰ - ۲ نمره

۲

جواب: پس از گذشتن سه ماه از آخرین واقعه، می‌توان مستترابه را طلاق داد. و چون کلمه «الشهور» جمع بوده و بر عدد سه صادق است لذا قطعاً بر کمتر از سه ماه دلالت نمی‌کند و دلالت بر بیشتر از سه ماه هم که محتاج دلیل زائد است لذا معلوم می‌شود مستترابه را می‌توان پس از گذشت سه ماه از آخرین واقعه طلاق داد.

۱۲- «طلاق بائن» را تعریف نموده و چهار مورد از مصادیق آن را نام ببرید. ص ۹۳ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: طلاق است که زوج حق رجوع به مطلقه را ندارد. (۵/۰ نمره) و مصادیقش عبارتند از: ۱. طلاق صغیره مدخوله‌ای که به سن حیض نرسیده است. ۲. طلاق یائسه؛ ۳. طلاق قبل از دخول؛ ۴. طلاق سوم که دوتای قبلی همراه با رجوع و یا عقد جدید صورت گرفته است. ۵. طلاق خلع و مبارات؛ ۶. طلاق که به حکم حاکم شرعی صورت گرفته به خاطر آن که زوج از پرداخت نفقه و یا طلاق امتناع می‌کرده است. (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲

۱۳- «عده» موارد زیر را بنویسید. ص ۱۰۳ و ۱۰۴ - ۲ نمره

الف) مطلقه مدخوله: جواب: سه طهر

ب) زن شوهر مرده: جواب: چهار ماه و ده روز

ج) زنی که شوهرش مرتد فطری گشته است: جواب: چهار ماه و ده روز

د) زن باردار: جواب: بعد از وضع حمل

۱۴- دو دلیل مصنف بر اینکه «قرء» در روایات، به معنای «طهر» می‌باشد را بنویسید. ص ۱۰۷ - ۲ نمره

۲

جواب: ۱. روایاتی که قرء را به معنای طهر گرفته‌اند مخالف با تقیه است.

۲. با ظاهر قرآن موافق هستند زیرا در قرآن از زمان عده به سه قرء تعبیر شده است و قرء به معنای جمع است و معلوم است که جمع شدن خون در بدن در حالت طهر است نه در حال حیض که خون دفع می‌شود.

۳. با ظاهر قرآن موافق هستند زیرا ظاهر آیه این است که زمان عده از هنگام طلاق شروع می‌شود، پس قرء به معنای طهر است چون در هنگام طلاق زن در طهر است. (رساندن مفهوم دو مورد کافی است).

۱۵- عبارت (إن التعبير فی صحیحة «لا یمین للولد مع والده» مجملٌ فیحتمل أن یمین المقصود منه لا یمین مع الردع و یحتمل أن یمین مع عدم الاذن ولو من دون الردع و لكن لا یبعد الانعقاد مع عدم الاذن لعدم الاطلاع) را توضیح داده و دلیل «لا یبعد الانعقاد» را بنویسید. ص ۱۵۴ - ۲ نمره

۲

جواب: نفی انعقاد یمین در حدیث مذکور مجمل می‌باشد زیرا معلوم نیست که آیا مراد حضرت، نفی انعقاد در صورت ردع و منع والد است یا حتی اگر منعی در کار نباشد بلکه فرزندی به خاطر ندانستن پدر، مأذون نباشد باز هم یمین وی منعقد نمی‌شود. البته بعید نیست قائل شویم که قسم در این صورت منعقد می‌شود زیرا در موارد اجمال، باید به قدر متیقن أخذ نمود که همان عدم انعقاد همراه با منع است لذا در صورت عدم إذن به خاطر عدم علم باید به «عموم اوفوا بالعقود» تمسک نمود.